

قد حضر تلقاء الوجه کتابک و هذا صدره آنکه از حرق الحشا مقسوم ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۵۰۷

نبیل اعظم

قد حضر تلقاء الوجه کتابک و هذا صدره آنکه از حرق الحشا مقسوم گشته کیست من ان استمع ما يتکلم به لسان القدم و کن من الشاکرین انّ الذی هدیناه الی الشاطئ الأيمن انت و کتبنا فی جبینہ من قلم القدم هذا مؤمن انت و نادیناه من السدرة الالهية انت و سقیناه من کوثر العرفان بيد العناية انت و اطعمناه مائدة السّمائية انت و امطرنا علیه امطار الفضل انت و زینناه بطراز الاقبال الی العزیز المتعال انت و آویناه الی سرادق الجود و الکرم انت و ادخلناه ساحة العرش انت و کشفنا له سبحات الجلال عن وجه الجمال انت و احضرناه تلقاء الوجه انت و اسمعناه ندائنا الأملی انت و تجلینا علیه بأنوار الوجه بالمواجهة انت و انطقناه بذکرنا بین العباد انت و جعلناه منادياً لأمرنا انت و آویناه فی السّجن واحد و ثمانین يوماً أنت و سترنا وجهه من الأعداء انت كذلك سبقک فضلی و سبقتک رحمی لا یسبقنا احد فی شیء انا الغفور الرحیم قد ثبت بالدلیل بأنّ لیس لک السبیل بالبرهان لتثبت علی الرحمن اقلّ عمّا یحصى ما منع به فضله عنک و لکن جناب نبیل قبل علیّ بشاطی بحر اعظم وارد شدند و از ظلم ظالمان محروم گشتند قسم بجمال قدم که محرومی ایشان بحسب ظاهر و التهاب نار فراق در صدر اعظم از عبادت الف سنه بوده باری ایشان فی الجمله حقّ دارند بل استغفر الله عن ذلك این محض فضل است که ذکر میشود آنچه من لدی الحقّ ظاهر محبوب مقربین بوده و خواهد بود اگر نار فراق مشتعل نشود کوثر قرب و وصال جاری نه حمد محبوب عالمیان را که بعنایت خود ایشان را قبول نمود و محلّ ظهور قضایا و بلایا در سبیلش فرمود و از اشتغال دنیا و ما فیها مقدّس داشته بشطر قرب مؤیدش نمود تا آنکه قطع منازل نموده در تلقاء عرش حاضر و بقاء الله فائز گشت

جناب عبدالله و پدر عباد را بنفحات قیص روحیه که از مصر قدمیه مرور نمود متذکر نمائید و من قبل الله تکبیر برسانید جناب خلیل و اسد انشاء الله لازال در ظلّ حضرت دوست مستریح و بکمال حکمت رفتار نمایند که مباد حرفی احداث شود و سبب فتنه گردد و البهاء علیهما و التي اقبلت الی شطر الأحدية أنا قبلنا منها ما ارادت فی سبیل ربّها انّها من القانتات لدی العرش انّ ربک هو العلیم الحکیم جناب استاد در کلّ احوال باید مسرور باشند چه که الحمد لله بشطر قدم اقبال نمودند و در جوار حقّ ساکن



ORIGINAL